

## واژگان بادرودی - اریسمانی

علیرضا غلامی بادی

دارای واژگان غنی است که تأمل و تعمق را بر روی آن می‌طلبد. واژگانی که پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها در دوران کودکی در گوش فرزندان خود نجوا می‌کردند، نغمه‌های خوش آن واژه‌ها که بوی عشق و مهربانی می‌داد هنوز هم در اذهان فریاد می‌آید. اما چه حزن‌انگیز و ملال‌آور است که بعد از سالیان متمادی که داعیه فرهنگ دوستی و گویش‌شناسی در جای جای ایران در بوق و کرنا نواخته شده، باز هم شاهدیم که در دل کویر گویش‌هایی از این دست وجود دارند که واژگانش هر روز سیر مهجور و متروک شدن را طی می‌کنند ولی باز هم غریبانه به حیات ادبی خود دلخوش‌اند.

رسانه‌های جمعی در عصر ارتباطات آنچنان در خانه‌ها مآویز گزیده‌اند که چون خوره بر پیکره زبان فارسی افتاده‌اند و در نتیجه هر روز شاهد به فراموشی سپرده شدن واژه‌های اصیل و کهنی هستیم، که گویش‌ها در این راستا سهم عمده‌ای دارند، خودباختگی فرهنگی، زندگی تجمل‌گرایانه،

شهر بادرود و دهستان اریسمان، از نظر تقسیمات کشوری جزء شهرستان نطنز است. این دو منطقه در امتداد یکدیگر در کنار جاده ترانزیتی کاشان- اردستان واقع گردیده‌اند، ساکنان آن اغلب کشاورزانی‌اند با دستانی پینه بسته و رخساری سوخته از آفتاب کویر، با چین و شکن‌هایی نقش بسته بر جبین، زنانش که با بر باد دادن دوران جوانی خود بر روی چوبه دار قالی، نقشی از زندگی و حیات و فرهنگ و هنر را با تصویر گل‌های قالی به نمایش می‌گذارند.

این انسان‌های صبور و سخت‌کوش دارای گویش بکر و دست‌نخورده‌ای‌اند که ماترک بجای مانده از نیاکان آنهاست. آنانی که کویر را بر جنگل و دریا برتری دادند و آن را برای سکونت برگزیدند و با دست و پنجه نرم کردن با این طبیعت خشن و ناهموار بر آن فائق آمده، چگونه زیستن را با این گویش دلنشین به فرزندان خود آموختند، گویشی که متکلمان آن به سی هزار نفر نمی‌رسد اما آنچنان

زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشورمان، برخوردار از پیشینه‌ای بس بلند و بهره‌مند از ادبیاتی گرانسنگ، پیوسته و هزارساله، از ارج و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بی‌گمان هر جاسخن از زبان فارسی می‌رود، بحث مهم «واژه‌ها» نیز مطرح می‌شود و در این میان، نقش واژگانی که در گویش‌های متنوع سرزمین پهناورمان هنوز تداوم دارند، چهره می‌نماید.

در مقاله حاضر، نویسنده با مقدمه‌ای درباره اهمیت گویش‌های محلی و تأثیر آنها در غنا بخشیدن به گنجینه زبان و ادب فارسی، گویش اهالی دهستان «بادرود، اریسمان» از توابع نطنز را مورد توجه قرار داده، با ارائه شاهد مثال‌هایی از شعر فارسی، ارتباط برخی از واژه‌های این گویش را با زبان فارسی نشان داده است.

فرهنگ شهرنشینی، در این امر تأثیری دو چندان داشته است.

البته باید این حقیقت را پذیرفت که شناخت گویش‌هایی از این نوع، یعنی شناخت زوایای پنهان زبان و ادبیات فارسی: گویش‌ها، حلقه‌های مفقود شده زبان و هنر و فرهنگ ایرانی‌اند. ضرورت اینجا می‌کند این عروسان دلارام را از حجاب غربت به درآوریم و با شانه قلم، گیسوان واژگان را آرایش دهیم تا همگان آنها را بشناسند تا با گذشته خود بیگانه نباشند.

گویش بادرودی - اریسمانی، میراث کهن گذشتگان ماست. واژه‌هایش یادگار پرچمداران حیات و زیستن در دل کویراند، انسان‌هایی که با همین واژه‌ها غم‌ها و شادی‌ها را در زیر آسمان آبی‌رنگ یا شب‌های پرستاره، روی بام کاهگلی خانه‌ها برای یکدیگر ابراز می‌کردند. درباره گویش بادرودی، اریسمانی، آنچنان که باید و شاید تحقیقی جامع و آکادمیک نشده است. گفته‌ها حکایت از این دارد که این گویش، ریشه در فارسی پهلوی دارد. بعضی‌ها بر این عقیده‌اند که فارسی دری است، اما استعمال واژه‌های امروزی آن، نشان از این دارد که کلماتی از زبان اوستایی، پهلوی، فارسی دری، طبری و یونانی، جایگاه ویژه‌ای در این گویش دارند. به عبارتی دیگر، این گویش دارای رگه‌ها و لایه‌های متعددی است که شناخت آن مستلزم اطلاعاتی جامع است.

نباید فراموش کرد واژه‌ها به فراخور زمان پدید می‌آیند، حیاتشان به مسایل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دینی بستگی دارد. چه بسیار واژه‌هایی که در یک برهه از زمان می‌درخشند و با تغییر نظام سیاسی، آنها نیز افول می‌کنند و واژه‌های جدید، جایگزین آنها می‌گردند. مهمترین ویژگی زبان، زایایی آن است و هر زبان به تناسب نیازش، خالق واژه‌هایی جدید می‌شود. گویش‌ها در ساخت واژه‌های جدید امروزی نقشی ندارند، واژه‌های ساختگی را با اندک تغییری می‌پذیرند. به عبارتی، بسیاری از واژه‌ها در گویش‌ها دچار فرآیند می‌شوند، یعنی از لحاظ تلفظ برخی از واج‌ها افزایش یا کاهش می‌یابند، یا این که در آنها ابدال و ادغام صورت می‌گیرد و بسیاری از واژه‌ها تفاوت اندکی با زبان فارسی معیار پیدا می‌کنند که آن هم به خاطر فرآیند واجی بوده است. به طور مثال، در

**□ شناخت گویش‌ها، یعنی شناخت زوایای پنهان زبان و ادبیات فارسی؛ گویش‌ها حلقه‌های مفقود شده زبان، هنر و فرهنگ ایرانی‌اند. ضرورت اینجا می‌کند این عروسان دلارام را از حجاب غربت به درآوریم و با شانه قلم، گیسوان واژگان را آرایش دهیم تا همگان آنها را بشناسند و با گذشته خود بیگانه نباشند.**

**□ واژگان کهن، نشان قدمت فرهنگی و دیرینگی گویش‌هاست، با حفظ کردن رابطه گویش‌ها با زبان فارسی می‌توان به این زبان شیرین استحکام بخشید و از هجوم بی‌رویه واژگان تصنعی ممانعت کرد.**

گویش بادرودی - اریسمانی واژه «خروس» فارسی با حذف «خ» از اول آن به صورت «روس» درآمده است، واژه «شکم» به صورت «اشکم» کاربرد دارد، واژه «لب» را «لو» و به «صحرا»، «صرا» و به «محمد»، «ممد» می‌گویند.

شناخت شجره‌نامه لغات می‌تواند در شناسایی خانواده بزرگ زبان فارسی موثر باشد و هویت ملی ایرانی را پررنگ‌تر سازد. امروز که زبان فارسی در هاله‌ای از واژه‌های بیگانه محصور شده است، استمداد از گویش‌ها می‌تواند مفید باشد، واژه‌های این گویش نیز قدمتی به دیرینگی خلق واژه دارند. ریشه‌یابی واژه‌ها بیانگر این ادعاست که این گویش، رابطه تنگاتنگی با زبان پهلوی و اوستایی دارد؛ به طور مثال، برای اثبات مدعا به دو واژه اکتفامی شود واژه «درزن - derzen» سوزن از اوستایی «درز - darez» و کلمه «ود - vad» به معنای «از پهلوی «وت - vat» گرفته شده است.

از مطابقت دادن گویش‌ها با یکدیگر راه پرگردنه ابهامات هموارتر می‌گردد. با کشف ارتباط واژگانی می‌توان خانواده بزرگ گویش‌های محلی را در جای جای این کشور وسیع و پهناور به یک میهمانی ملی فرهنگی دعوت کرد. با تحقیق مختصر درباره ارتباط این گویش با گویش‌های متعدد از شمال و جنوب و غرب و مرکز ایران به صورت تطبیقی واژه‌ها، این نتیجه به دست آمده که تلفظ بسیاری از واژه‌ها نزدیک به یکدیگر است. در واژه‌های بی‌شماری، اختلاف تنها در یک «واج» است. پس گویشوران بانداک تأمل و تعمق می‌توانند از واژه‌های سایر گویش‌ها محظوظ گردند، واژگانی که یک دنیا حرف‌های ناگفته در درون خود پنهان نموده‌اند، تعدادی از آنها به مرور زمان همراه با سینه‌های سترگ زنان و مردان در دل خاک مدفون گردیدند و امروز هیچ اثری از آنها مشاهده نمی‌شود، به طوری که تصور می‌شود اصلاً خلق نشده‌اند یا همگام با خالق آنها به فراموشی سپرده شدند.

واژه‌های بی‌شماری در گنجینه‌های ادب فارسی از نظم و نثر وجود دارد که در نگاه خوانندگان این آثار گرانسنگ کلمات مهجور و متروک فارسی محسوب می‌شود ولی این واژه‌ها در گویش بادرودی - اریسمانی، خوشبختانه هنوز هم به حیات ادبی خود ادامه می‌دهند و مردم در زندگی روزمره خود آنها را استعمال می‌کنند.

اما هجوم رسانه‌هایی از قبیل: رادیو، تلویزیون، ماهواره و روزنامه‌ها به خرده فرهنگ‌ها و گویش‌ها، همیشه نگرانی فرهنگ دوستان را در پی داشته است و این یک تفکر جمعی می‌طلبد تا از مهجور شدن واژه‌های کهن گویش‌ها و افول این ستارگان در آسمان ادب فارسی ممانعت کرد. واژگان کهن، نشان قدمت فرهنگی و دیرینگی گویش‌هاست. با حفظ کردن رابطه گویش‌ها با زبان فارسی می‌توان به این زبان شیرین استحکام بخشید و از هجوم بی‌رویه واژگان تصنعی ممانعت کرد. در ذیل به پیوند ناگسستنی واژه‌های بادرودی - اریسمانی با ادب فارسی از نظم و نثر پرداخته می‌شود و سیمای آن واژگان ترسیم می‌گردد.

۱- شنوشه یا شنوسه: عطسه؛ در این گویش به آن «اشمشو»، "asmesu" می‌گویند.

مر امروز توبه سود دارد

چنان چون دردمندان را شنوشه

«رودکی»

۲- بیج بیج: لفظی است که چوپانان، بز را با آن می نوازند در این گویش «بوج بوج»، "buc bus" می گویند.

سخن شیرین از زفت نیارد بر  
بز به بیج بیج بر، هرگز شود فربه!

«رودکی»

۳- داسکله: داس کوچک؛ در این گویش «دستاله»، "dasyalah" می گویند.  
چون درآمد آن کلیدور مرد زفت  
بیل هشت و داسکاله برگرفت

«رودکی»

۴- خلم: خلط بینی؛ در این گویش «چلم» "Colm" می گویند.  
(دو جوی روان در دهانش ز خلم  
دو خرمن زده بر دو چشمش ز خیم)

«رودکی»

۵- بوذا: دوید، در این گویش «بوز»، "Bavez" می گویند  
آهوی کوهی در دشت چگونه  
دوذا

او ندارد یاری یار چگونه بوذا  
«ابو حفص سغدی»

۶- کده (kadeh): خانه در این گویش «کده»، "kadah" خانه  
بدین بی نشان راغ و کوه بلند  
کده ساختید از نهیب و گزند  
«فردوسی»

۷- آلالو: آتش در این گویش «الو»، "alaw": آتش، شعله های آتش  
بر اوج گنبد گردون از آن بتابد  
هور  
که یافت از تف قنیل مرتضی  
آلالو

«آذری»

۸- آنجیدن (anjidan): ریز ریز کردن، بریدن در این گویش هم به این گونه به کار رفته است.

به خنجر همه تش آنجیده اند  
بر آن خاک خورش پسنجیده اند  
ز تیرش رخ موسکنجیده شد

ز تیغش دل چرخ آنجیده شد

«لیبی»

۹- گری (gaei): جریب، واحد سنجش زمین، در این گویش «گری»، "giri"

### □ در باره گویش بادرود،

اریسمانی، آنچنان که باید و شاید، تحقیقی جامع و آکادمیک نشده است، گفته ها حکایت از این دارد که این گویش، ریشه در فارسی پهلوی دارد. بعضی ها بر این عقیده اند که فارسی دری است، اما استعمال واژه های امروزی آن، نشان از این دارد که کلماتی از زبان اوستایی، پهلوی، فارسی دری، طبری و یونانی جایگاه ویژه ای در این گویش دارند.

باش تا چون چشم ترکان تنگ گردد گور تو  
گرچه خود را کور سازی در مسافت صدگری  
زانکه امثال مرا بی شاعری بسیار داد  
کاخ هایی چار پوشش، باغ هایی چل گری  
«سنایی»

۱۰- ویر (vir): به یاد سپردن

چه افتاد، ای عزیزان مر شمارا  
نشدیدک بارتان یاد از من و ویر

«مجدهمگر»

۱۱- چمچه (Comceh): قاشق بزرگ؛ در این گویش «قاشق»

غریبی گرت ماست پیش آورد

دو پیمانان آب است و یک چمچه دوغ

«گلستان»

۱۲- درزن (darzan): سوزن،

در این گویش؛ (در زن = derzen)  
می گویند

تهمت نهند بر من و معنیش: کبر و

بس

خود در میان کار چو درزی و

درزنند

«سنایی»

(این نه کاری است که به رشته بر  
کس توان بست یا نه درزن بر توان  
دوخت.

«اسرار التوحید»

۱۳- کدواده (kadvadeh): خانه

در این گویش «اهل و عیال خانه»،  
"kadvadah" می گویند. دنیا دار  
محنت است و ویرانه ی مصیبت و  
مفازه ی اندوه و پتیاره فراق و  
کدواده ی بلا.

«کشف المحجوب»

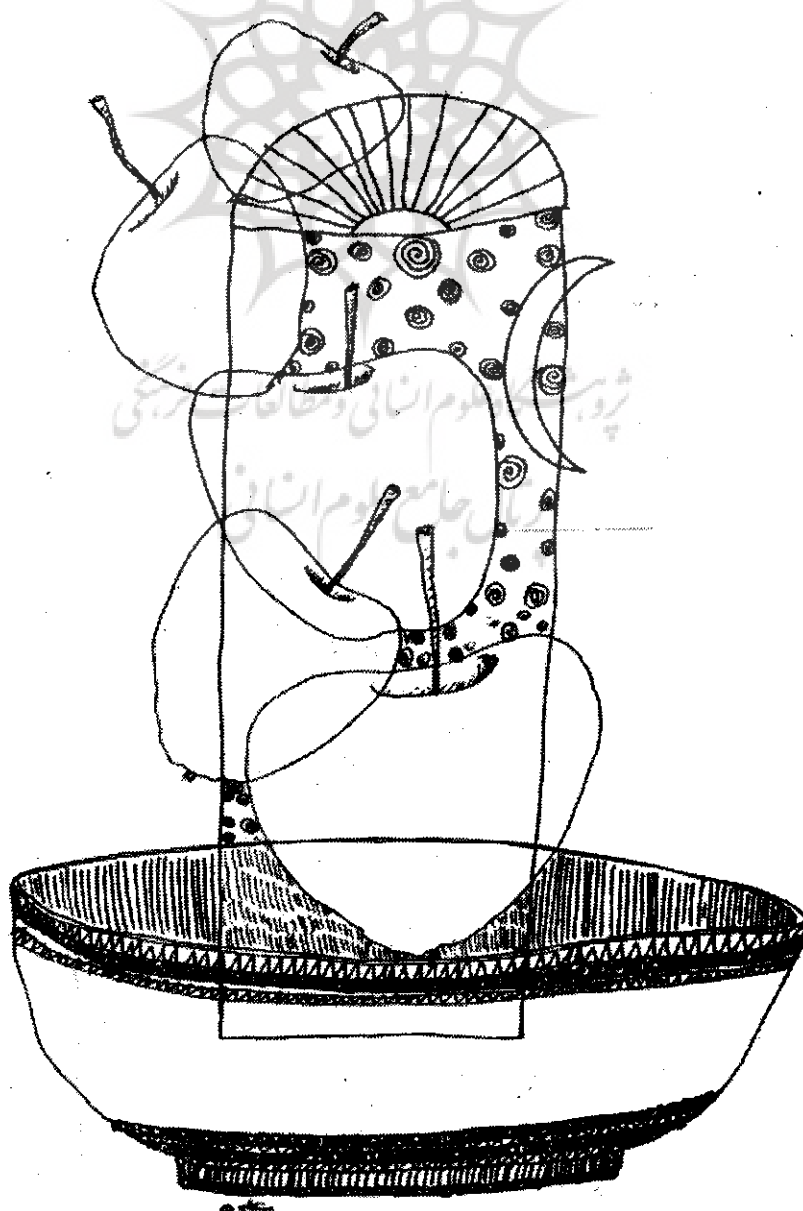
بلا لباس اولیاست و کدواده ی

اصفیا

«کشف المحجوب»

۱۴- گاله "galeh": جوال، کیسه

بزرگی که از پشم و نخ یافتند و در آن  
چیزهایی بریزند. در این گویش



"galah"

چو آن تخت و آن گاله ی ساوشاه  
به دست آمدت بر نهادی کلاه

«فردوسی»

دوستی کز پی پیاله کشد

در پی دنبه پوست گاله کشد

۱۵- بو "bu": باشد؛ در این گویش «هست» معنی  
می دهد.

روزی شیخ بلحسن در میان سخن از شیخ  
بوسعید پرسید که «به ولایت شما عروسی بو؟»

گفت: «بو و در عروسی بسیار نظارگی بو که از

عروس نیکوتر بو و لکن در میان ایستادن تخت و  
کلاه و جلوه یکی را بو».

«اسرار التوحید»

۱۶- بمیز: ادرار کن bamiz "س؛ «بمیزد»: ادرار  
می کند

این سزای آن که یابد آب صاف

همچو خردر جو بمیزد از گزاف

«مولوی»

تو نمی گفتی که در جام شراب

دیو می میزد شتابان، باشتاب

«مولوی»

فراوانت پلنگان اند خصمان  
نگر با موشی خصمی در نگیری  
که گر چنگ پلنگی در تو آید  
بیاید بر تو میزد تا بمیری

«ابوالفرج رونی»

۱۷- وسن: vasan: خواب؛ در این

گویش «بس»، bas: بخواب

چون همی دانی که قران رارشن خوانده است حق

پس تو در چاه طبیعت چند باشی با وسن

«سنایی»

۱۸- چرز: "Carz": (چکاوک) در این گویش

«چر»، "Cer".

به چنگال قهر تو در خصم بددل

بود همچو چرزی به چنگال شاهین

«رودکی»

آنچه که به عنوان شاهد مثال بیان شد، تنها

نمونه ای از واژگان این گویش در گستره ادبیات کهن

فارسی است برای درک و فهم صحیح متون

گرنسنگ ادبیات ضروری به نظر می رسد که به

گویش های محلی اهمیت داد چنان که نشان دادیم

رابطه مستقیم بین واژگان محلی و متون ادبی وجود

دارد اگرچه واژه ها از نظر فرایند واجی دچار تغییر و

تحول شده اند اما آنچه که از پیکره آنها باقی مانده

می تواند در شناخت ادبیات موثر باشد.

منابع

۱- آواشناسی، علیمحمد حق شناس،

انتشارات آگاه، چاپ هشتم، ۱۳۸۲.

۲- تاریخ زبان فارسی، دکتر پرویز ناتل

خانلری، انتشارات فردوس، چاپ ششم، ۱۳۷۷.

۳- فرهنگ پارسی و ریشه یابی واژگان،

مصطفی پازنگ، انتشارات محور، ۱۳۷۷.

## شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران

متقاضیان محترم می توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به حساب جاری ۱۳۵۰۵ بانک ملی شعبه سعیدی چتری (قابل پرداخت در کلیه شعب) و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱ با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۳۳۰۰۰۰	۱۶۵۰۰۰	۸۲۵۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۶۳۰۰۰۰	۳۱۵۰۰۰	۱۵۷۵۰۰
روزنامه کیهان عربی	۶۳۰۰۰۰	۳۱۵۰۰۰	۱۵۷۵۰۰
روزنامه کیهان ورزشی	۴۸۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰
مجله کیهان بچه ها	۱۰۵۰۰۰	۵۲۵۰۰	۲۶۲۵۰
مجله کیهان ورزشی	۱۸۰۰۰۰	۹۰۰۰۰	۴۵۰۰۰
مجله زن روز	۱۸۰۰۰۰	۹۰۰۰۰	۴۵۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۸۵۲۰۰	۴۲۶۰۰	---
مجله کیهان کاریکاتور	۶۰۶۰۰	---	---

### توجه:

- ۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار میشود.
- ۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمایید.
- ۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت شده، نشریه مورد تقاضا ارسال میگردد.
- ۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمایند.

### فرم تقاضا

نام خانوادگی: ..... نام: .....

ریال نام و کد شعبه: ..... شماره فیش بانکی: ..... تلفن: .....

آدرس: .....

کد پستی: .....

امضاء

امور مشترکین موسسه کیهان

تلفن ۹-۲۵۱۱۰۳۳۱ - نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲